

ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش رقابتی

فهیمة حسنی^۱، محمد رضا شهابی کاسب^۲، و رسول زید آبادی^۳
تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۶

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تعیین روایی سازه، و همسانی درونی نسخه فارسی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش رقابتی بود. تعداد ۲۵۸ ورزشکار (۱۰۸ مرد، و ۱۵۸ زن) به‌عنوان نمونه انتخاب و پرسش‌نامه مربوطه را تکمیل کردند. برای تأیید روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی و روایی افتراقی، و جهت بررسی همسانی درونی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج حاکی از عدم برازش مطلوب مدل اول پرسش‌نامه (۳۹ سؤالی) راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی بود. پس از حذف چهار سؤال عامل کناره‌گیری اجتماعی، مدل دوم مرتبه اول اندازه‌گیری با ۳۵ سؤال، از شاخص‌های برازندگی و همسانی درونی قابل‌قبولی برخوردار شد. نتایج آزمون مانوا نیز تفاوت معناداری را در به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای کنترل افکار، تصویرسازی ذهنی، تحلیل منطقی، و تسلیم‌شدن بین گروه‌های نخبه و نیمه‌ماهر، و گروه‌های ماهر و نیمه‌ماهر، و در تخلیه هیجانات ناخوشایند بین گروه‌های نخبه و نیمه‌ماهر نشان داد. نتایج بیانگر این است که نسخه فارسی تعدیل‌شده پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش رقابتی، از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی برخوردار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: روایی سازه، همسانی درونی، راهبردهای مقابله‌ای، ورزشکاران.

Psychometric Properties of Persian Version of Athletes Coping Strategies Questionnaire in Competitive Sport

Fahimeh Hasani, Mohammad Reza Shahabi Kaseb, and Rasool Zeidabadi

Abstract

The purpose of this study was to determine the construct validity and reliability of Persian version of the Athletes Coping Strategies Questionnaire in Competitive Sport. A number of 258 athletes (108 male and 158 female) were selected and completed the questionnaire. Confirmatory Factor Analysis and discriminate validity and Cronbach Alpha Coefficient were used to determine the construct validity and internal consistency. The results showed that the first model of coping strategies questionnaire in competitive sport (39 questions) was not favorable fit indexes. After eliminating the four questions of the social withdrawal factor, the second model with 35 questions had acceptable fit index and internal consistency. MANOVA test results also showed significant differences in using the coping strategies of thought control, mental imagery, logical analysis, and disengagement /resignation between elite and sub-skilled groups and between skilled and sub-skilled groups and inventing of unpleasant emotions between elite and sub-skilled groups. These findings suggest that the modified Persian version of Athletes Coping Strategies Questionnaire in Competitive Sport has appropriate psychometric properties.

Keywords: Construct Validity, Internal Consistency, Coping Strategies, Athletes.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی ورزش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۲. استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه حکیم سبزواری

۳. استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) Email: zeidabady@alumni.ut.ac.ir

مقدمه

فرآیند مقابله عمدتاً شامل فعالیت‌ها و اقدامات شناختی و رفتاری فرد برای مدیریت استرس است. استون، کندی، نیومن، گرینبرگ و نیل^۱ (۱۹۹۲) مقابله را معادل تلاش هشیار برای مواجهه با مطالبات استرس‌زا می‌دانند. در این مقابله، پاسخ‌های رفتاری آموخته‌شده از طریق محدودسازی اهمیت موقعیت خطرناک یا ناخوشایند (مطالبات استرس‌زا) استرس را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه، آگاهی ورزشکاران از راهبردهای مؤثر مقابله با استرس و فشارهای مسابقه، امری حیاتی در روند پیشرفت و عملکرد بهینه آن‌ها محسوب می‌شود (انشل و کایسیدیس^۲، ۱۹۹۷).

راهبردهای مقابله به شکل‌های مختلف طبقه‌بندی شده‌اند. یکی از طبقه‌بندی‌های عمومی، بر حسب جهت‌گیری فرآیند مقابله به سمت مشکل ادراک‌شده یا احساسات فرد، راهبردهای مقابله را به مقابله تکلیف‌مدار (مسئله‌مدار) و هیجان‌مدار تقسیم می‌کند. در مقابله مسئله‌مدار، که مقابله تکلیف‌مدار نیز نامیده می‌شود، فرد برای تعدیل عامل استرس‌زا و رسیدن به هدف، مستقیماً در برابر موقعیت استرس‌زا عمل می‌کند؛ بنابراین مقابله مسئله‌مدار، عمل‌محور است و از طریق تغییر رابطه بین فرد و محیط به هدف می‌رسد. نمونه‌هایی از مقابله مسئله‌مدار شامل، کاهش فشار و موانع بیرونی، تغییر اهداف، یافتن راه‌های جایگزین در رسیدن به کامیابی، جستجوی حمایت اجتماعی، و داشتن قاطعیت کلامی می‌باشد. اما در مقابله هیجان‌مدار، فرد برای تعدیل عامل استرس‌زا و رسیدن به هدف، به تنظیم حالت‌های هیجانی مرتبط یا ناشی از عامل استرس‌زا می‌پردازد. مقابله هیجان‌مدار، رویه فرد را در توجه به عامل استرس‌زا، و ارزیابی و تفسیر وی را از آن عامل، تحت تأثیر قرار

می‌دهد؛ بنابراین، مقابله هیجان‌مدار با تغییر معنایی عامل استرس‌زا سروکار دارد (فولکمن و لازاروس^۳، ۱۹۸۵؛ گادریو و بلوندین^۴، ۲۰۰۱؛ و ۲۰۰۲).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های مختلفی به بررسی تجربی راهبردهای مورد استفاده ورزشکاران در مقابله با شرایط تنش‌زای محیط ورزشی پرداخته‌اند. بخش مهمی از این پژوهش‌ها، سعی داشته‌اند فعالیت‌ها و کنش‌های مقابله‌ای ورزشکاران را در محیط‌های مختلف ورزشی بررسی کنند (اکلاند^۵، ۱۹۹۶؛ گولد، اکلاند، و جکسون^۶، ۱۹۹۳). پژوهش‌های مذکور در کنار تشریح دقیق کنش‌های مقابله‌ای ورزشکاران، به شناسایی انواع راهبردهای مقابله‌ای مشابه و متمایز پرداخته‌اند. دسته دوم این پژوهش‌ها، بر مبنای مدل‌های سیستمی مقابله (فینچ^۷، ۱۹۹۴، هاردی، جونز، و گولد^۸، ۱۹۹۶؛ و فولکمن و لازاروس، ۱۹۸۵) عوامل مؤثر و پیامدهای مقابله را بررسی کرده و سعی داشته‌اند بهترین راهبردها را برای مدیریت خواسته‌های درونی و بیرونی در محیط ورزشی مشخص کنند. راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران با متغیرهای مختلفی ارتباط پیدا می‌کنند؛ از جمله، کنترل ادراک‌شده (انشل و کایسیدیس، ۱۹۹۷)، خودکارآمدی (هانی و لانگ^۹، ۱۹۹۵)، اضطراب صفتی (فینچ، ۱۹۹۴؛ و جیاکوبی و واینبرگ^{۱۰}، ۲۰۰۰)، اعتمادبه‌نفس صفتی، و خوش‌بینی صفتی (گروو و هرد^{۱۱}، ۱۹۹۷)، اضطراب حالتی یا وضعیتی (نتومانیس و بیدل، ۲۰۰۰)، هدف‌گرایی (کیم و دودا^{۱۲}، ۱۹۹۹؛ و

3. Folkman & Lazarus

4. Gaudreau, & Blondin

5. Eklund

6. Gould, Eklund, & Jackson

7. Finch

8. Hardy, Jones, & Gould

9. Haney & Long

10. Giacobbi & Weinberg

11. Grove & Heard

12. Kim & Duda

1. Stone, Kennedy, Newman, Greenberg, & Neale

2. Anshel & Kaissidis

لازاروس (۱۹۸۵) تدوین شد تا بتوان از این پرسش‌نامه در محیط ورزشی استفاده کرد. اما همان‌طور که انتظار می‌رفت، اشکال تغییر یافته پرسش‌نامه‌ها نیز همان نقاط ضعف مفهومی و روان‌سنجی پرسش‌نامه اصلی را در خود داشتند. به‌طوری‌که، ساختار عاملی گونه‌های مختلف این پرسش‌نامه، همسانی و سازگاری لازم را نداشتند (گادریو و بلوندین، ۲۰۰۲).

برخی ابزارهای سنجش مقابله که در حوزه ورزش به‌کار گرفته شده‌اند، با وجود همه نقاط ضعف و قوت روان‌سنجی، دارای محدودیتی مشترک هستند؛ این محدودیت شامل تدوین ابزار سنجش بر اساس پرسش‌نامه‌هایی است که برای بررسی مسایل و موضوعات روان‌شناسی عمومی طراحی شده‌اند. از آنجاکه کنش‌ها و رفتارهای مقابله‌ای ممکن است در شرایط مختلف تغییر کنند (فرایدنبرگ و لویس^۸، ۱۹۹۴؛ و سلرز^۹، ۱۹۹۵)، پرسش‌نامه‌هایی که اصولاً برای بررسی جوامع کوچک، حوزه بهداشت و سلامت، و محیط‌های بالینی طراحی شده‌اند، ممکن است از نظر محتوایی برای حوزه ورزش قابل استفاده نباشند؛ بر این اساس، امکان دارد در این پرسش‌نامه‌ها برخی ابعاد مهم روش‌های مقابله‌ای ورزشکاران در شرایط رقابت ورزشی (از جمله تصویرسازی، آرام‌سازی، حواس‌پرتی، کنترل افکار، و تحلیل منطقی) حذف شوند. درحالی‌که نتایج مطالعات کیفی، مکرراً استفاده از راهبردهای مذکور را در ورزشکاران نشان داده‌اند (اکلاند، ۱۹۹۶؛ و گولد، فینچ، و جکسون، ۱۹۹۳). همچنین احتمال دارد برخی کنش‌های مقابله‌ای که خارج از حوزه ورزش قرار می‌گیرند، وارد پرسش‌نامه‌ها شوند که ورود این دست کنش‌های مقابله‌ای به پرسش‌نامه‌ها، می‌تواند سوالات پرسش‌نامه را ناکارآمد سازند و منجر به مشکلات روان‌سنجی

نتومانیس، بیدل، و هداک^۱، ۱۹۹۹)، و عواطف مثبت و منفی (کراکر و گراهام^۲، ۱۹۹۵؛ گادرو، بلوندین، و لاپیر، ۲۰۰۱؛ و نتومانیس و همکاران، ۱۹۹۹).

در زمینه بررسی راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در شرایط رقابتی، ابزارهای خودسنجی مثل پرسش‌نامه روش‌های مقابله فولکمن و لازاروس (۱۹۸۵)، و پرسش‌نامه کارور، شیر، و وینتراپ^۳ (۱۹۸۹) جهت بررسی کنش‌های ورزشکاران در مقابله با شرایط خاصی که منجر به فشار روانی می‌شود، با محیط‌های ورزشی تطبیق داده شده و به‌کار گرفته شدند. پرسش‌نامه روش‌های مقابله (فولکمن و لازاروس، ۱۹۸۵) به سنجش راهبردهای مقابله‌ای می‌پردازد که می‌توانند در شرایط مختلف منجر به فشار روانی، به‌کار گرفته شوند. با وجود استفاده گسترده از این پرسش‌نامه در شاخه‌های اصلی روان‌شناسی، بسیاری از پژوهشگران در سال‌های اخیر، از این پرسش‌نامه به‌دلیل وجود ابهام، مفاهیم نادقیق، و محدودیت‌های کاربردی آیت‌های آن انتقاد کرده‌اند (بن-پورات، والر، و باچر^۴، ۱۹۹۱؛ و استون، گرینبرگ، کندی‌مور، و نیومن^۵، ۱۹۹۱؛ به نقل از گادریو و بلوندین، ۲۰۰۲). به‌علاوه، شواهد تجربی نیز تا حدی این انتقادات را تأیید می‌کنند؛ چرا که این شواهد، نبود ثبات درونی و ناپایداری عاملی را در این پرسش‌نامه نشان می‌دهند (کلارک، بورمان، کروپانزانو، و جیمز^۶، ۱۹۹۵؛ و پارکر، پارکر، اندلر، و باگی^۷، ۱۹۹۳؛ به نقل از گادریو و بلوندین، ۲۰۰۲). پرسش‌نامه تغییر یافته روش‌های مقابله (کراکر، ۱۹۹۲)، با تغییر ۶۶ مورد از آیت‌های پرسش‌نامه اصلی روش‌های مقابله فولکمن و

1. Ntoumanis, Biddle, & Haddock
2. Crocker & Graham
3. Carver, Scheier, & Weintraub
4. BenPorath, Waller, & Butcher
5. Stone, Greenberg, Kennedy-Moore & Newman

8. Frydenberg & Lewis

9. Sellers

6. Clark, Bormann, Cropanzano & James

7. Parker, Endler & Bagby

همگرا را تأیید می‌کند. تحلیل واریانس عاملی چندمتغیره نیز، تا حدی، روایی افتراقی سی. آی. سی. اس را تأیید کرد.

از آنجاکه برای استفاده از هر پرسش‌نامه و ابزار روان‌شناختی در یک جامعه جدید (در پژوهش حاضر جامعه ورزشکاران ایرانی)، و نیز برای پیشگیری از سوءتعبیرهایی که هنگام استفاده از پرسش‌نامه‌های روان‌شناختی رخ می‌دهد، روایی و پایایی آن ابزار می‌بایست مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرد، و همچنین به دلیل آنکه اساس و مبنای انجام هر پژوهشی استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری روا و پایا می‌باشد و توضیح و تفسیر نتایج پژوهش به روایی ابزار به کار گرفته شده بستگی دارد، لذا پژوهشگران باید از روایی پرسش‌نامه‌ها مطمئن باشند (واعظ موسوی، ۱۳۷۹). با این وجود، بررسی روایی سازه پرسش‌نامه‌ها معمولاً نادیده گرفته شده و پژوهشگران و مربیان بدون در نظر گرفتن این مهم، و تنها با تعیین اعتبار و روایی محتوایی پرسش‌نامه، اقدام به استفاده از یک پرسش‌نامه می‌نمایند (فرخی، متشرعی، و زیدآبادی، ۱۳۹۲). اما مهم‌ترین بخش در تعیین روایی پرسش‌نامه‌ها با زمینه فرهنگی متفاوت، تعیین روایی سازه پرسش‌نامه است که به روش‌های مختلفی از جمله تغییرات زمانی، روایی همگرا و واگرا، تفاوت‌های گروهی (روایی افتراقی)، و تحلیل عاملی قابل‌ارزیابی می‌باشد. در این حوزه، تحلیل عاملی تأییدی بهترین ابزار ارزیابی محسوب می‌شود (براون، ۲۰۰۶؛ و کلاین، ۲۰۰۵). بدین ترتیب، جهت قابل‌استفاده بودن پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش‌های رقابتی، تعیین روایی سازه، و همسانی درونی این پرسش‌نامه در جامعه ورزشکاران ایرانی احساس می‌شد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه

دیگری مثل کاهش همسانی درونی، و ناپایداری عاملی گردند (بن-پورات و همکاران، ۱۹۹۱؛ به نقل از گادریو و همکاران، ۲۰۰۲).

بر این اساس، گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) پرسش‌نامه‌ای برای راهبردهای متعدد تدوین کردند که با پارامترهای متغیر مقابله، برازش مناسبی داشت. راهبردهای مقابله‌ای همگن، مرتبط با حوزه ورزش، و دارای تمایز مفهومی و کاربرد در مراحل قبل، حین، و بعد از رقابت‌های ورزشی شناسایی شد و بر این اساس هسته اصلی پرسش‌نامه تشکیل گردید. این راهبردهای مقابله‌ای جهت بازنمایی دو بُعد کارکردی مقابله در مرتبه بالاتر انتخاب شدند؛ این دو بُعد عبارتند از مقابله تکلیف مدار (تی. او. سی.)^۱، و مقابله هیجان مدار (ای. او. سی.)^۲ و از این پرسش‌نامه با عنوان پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی (سی. آی. سی. اس)^۳ نام بردند. گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) در این مطالعه به طراحی و تدوین ابزار خودسنجی جهت ارزیابی راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش رقابتی، و ارائه شواهد اولیه در راستای تأیید روایی عاملی، همگرا، همزمان، و افتراقی در بین ۳۱۶ ورزشکار کانادایی از رشته‌های ورزشی مختلف پرداختند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی چهار مرحله‌ای، برازش مناسب مدل ۱۰ عاملی، و برتری این مدل را بر مدل‌های دو، و سه عاملی نشان داد. خرده‌مقیاس‌های سی. آی. سی. اس، با متغیرهای ارزیابی عواطف مثبت و منفی، اضطراب شناختی، و جسمی پرسش‌نامه اضطراب حالتی رقابتی-۲، و راهبردهای مقابله‌ای در پرسش‌نامه‌های روش‌های مقابله فولکمن و لازاروس (۱۹۸۵) همبستگی معنادار نشان دادند که این همبستگی، روایی همزمان و

1. Task Oriented Coping (TOC)
2. Emotion Oriented Coping (EOC)
3. Coping Inventory in Competitive Sport (CICS)

4. Brown & Kline

رقابتی: این پرسش‌نامه با دو بُعد تکلیف‌مدار شامل شش راهبرد کنترل افکار، تصویرسازی ذهنی، آرام‌سازی، میزان تلاش، تحلیل منطقی، و جستجوی حمایت، و بُعد هیجان‌مدار شامل چهار راهبرد تخلیه هیجانات ناخوشایند، منحرف کردن افکار (حواس‌پرتی)، کناره‌گیری اجتماعی (فاصله‌گیری)، و تسلیم‌شدن/ عقب‌نشینی ورزشکاران توسط گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) طراحی شد. این پرسش‌نامه ۱۰ خرده‌مقیاس و ۳۹ سؤال دارد، به طوری که هر خرده‌مقیاس آن به‌عبارت خرده‌مقیاس میزان تلاش که سه سؤال دارد، از چهار سؤال تشکیل شده است. بنابراین بُعد تکلیف‌مدار با شش خرده‌مقیاس و ۲۳ سؤال، و بُعد هیجان‌مدار با چهار خرده‌مقیاس و ۱۶ سؤال، در مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای (۱=عدم‌استفاده؛ ۵=استفاده بسیار زیاد) سنجیده می‌شوند.

روش اجرای پژوهش

در ابتدا، با استفاده از روش ترجمه-بازترجمه، روایی صوری و صحت ترجمه پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی (سی. آی. سی. اس) مورد تأیید قرار گرفت. بدین صورت که پس از ترجمه بر اساس نظر متخصصین، شکل ظاهری سوالات و نیز مفاهیم سوالات و تناسب آنها با فرهنگ جامعه مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفت تا در صورت نیاز، سوالات حذف یا اصلاح گردد، که در تحقیق حاضر چنین مواردی وجود نداشت. روش ترجمه-بازترجمه نیز بدین شکل بود که در ابتدا پرسش‌نامه مذکور توسط سه متخصص روان‌شناسی ورزش ترجمه گردید و سپس ترجمه فارسی توسط دو متخصص آموزش زبان انگلیسی به انگلیسی برگردان شد. در نهایت، با مقایسه دو متن انگلیسی (متن اصلی، و متن به‌دست‌آمده از ترجمه فارسی به انگلیسی)، اصلاحات لازم انجام شد و فرم نهایی فارسی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی تهیه گردید. سپس از گروه همکاران پژوهش برای یکسان‌سازی اجرا (توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها) در جامعه

راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی انجام گرفت.

روش شناسی

روش پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد که به بررسی ساختار عاملی، به روش تحلیل عوامل، می‌پردازد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ورزشکاران مرد و زن نخبه، ماهر، و نیمه‌ماهر در ۱۰ رشته ورزشی بود که چهار رشته تیمی (فوتبال، هندبال، والیبال، و بسکتبال)، و شش رشته انفرادی (بدمینتون، تنیس‌روی‌میز، شتا، دوومیدانی، کاراته، و تکواندو) شهر تهران را دربرمی‌گرفت. به دلیل عدم‌اطلاع از حجم دقیق و واقعی جامعه، انتخاب حجم نمونه بر حسب نوع هدف پژوهش انجام شد. با توجه به اینکه نمونه موردنیاز در مطالعات تحلیل عاملی پنج تا ۱۰ آزمودنی به‌ازای هر سؤال پرسش‌نامه پیشنهاد شده است (کلاین، ۲۰۰۵؛ و میرز، ۲۰۰۶)، در ابتدا ۲۸۰ پرسش‌نامه در بین ورزشکاران توزیع شد که ۲۲ پرسش‌نامه به‌دلایلی از جمله پاسخ سیستماتیک، مخدوش بودن اطلاعات جمعیت‌شناختی، و یا عدم‌پاسخگویی به تعداد قابل‌توجهی از سوالات، کنار گذاشته شد. در نتیجه، پس از توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، تعداد ۲۵۸ ورزشکار (۱۰۸ مرد و ۱۵۰ زن) در سه سطح مهارتی نخبه (۹۸)، ماهر (۱۲۰)، و نیمه‌ماهر (۴۰)، و در دو رشته تیمی (۱۱۷)، و انفرادی (۱۴۱) پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در شرایط رقابتی ورزشی را به‌درستی تکمیل کردند. میرز و همکاران (۲۰۰۶) حجم نمونه بالاتر از ۲۰۰ نفر را برای انجام پژوهش‌های تحلیل عاملی مناسب عنوان کرده‌اند. شایان ذکر است هدف از انتخاب این دامنه وسیع در سطح مهارت و نوع رشته ورزشی، افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش می‌باشد (تری و لین، ۲۰۰۳).

ابزار و روش‌های گردآوری داده‌ها

پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش

پراکندگی، و ترسیم نمودارها استفاده شد. از آنجایی که متخصصان معادلات ساختاری معتقدند زمانی که پژوهشگران یک مدل مفروض را در اختیار دارند، می‌بایست روش آماری مورد استفاده در مرحله اول، تحلیل عاملی تأییدی باشد، بنابراین از روش تحلیل عاملی تأییدی مبتنی بر مدل معادلات ساختاری، برای بررسی و تأیید خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه و به عبارت دیگر، تأیید روایی سازه (عاملی) پرسش‌نامه استفاده شد (شوتز و گزارولی، ۳، ۱۹۹۳؛ و براون، ۲۰۰۶). همسانی (ثبات) درونی پرسش‌نامه نیز، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین گردید. به منظور بررسی روایی افتراقی، یعنی مقایسه راهبردهای مقابله‌ای در سطوح مختلف مهارتی، روش تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) به کار برده شد. جهت انجام محاسبات آماری مذکور، دو نرم افزار اس. پی. اس. اس نسخه ۲۰، و لیزرل ۸٫۸ مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها از قبیل نسبت، تعداد شرکت‌کنندگان (بر حسب جنسیت، سطح مهارت، و نوع رشته ورزشی)، میانگین، و انحراف استاندارد خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه ارائه می‌گردد. در ادامه، به بررسی روایی سازه پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی پرداخته می‌شود.

هدف، دعوت به عمل آمد و موارد مهم و مورد تأکید در اجرای پژوهش، مرور و یکسان‌سازی شد. در مرحله بعد، مجوزهای لازم به منظور توزیع پرسش‌نامه‌ها از مسئولان مربوط اخذ شد و پرسش‌نامه‌ها میان نمونه‌های آماری توزیع، تکمیل، و جمع‌آوری گردید (زیدآبادی، رضایی، و متشرعی ۱۳۹۳). مطابق دستورالعمل گادریو و بلوندین (۲۰۰۱) پرسش‌نامه مذکور ظرف شش ساعت بعد از اتمام رویداد ورزشی رقابتی، در بین ورزشکاران به صورت انفرادی، و در غیاب مربیان، توزیع و تکمیل شد. همچنین به پاسخ‌دهندگان این اطمینان داده شد که پاسخ آن‌ها محرمانه است و تنها برای اهداف پژوهشی از آن بهره گرفته خواهد شد. علاوه بر این موارد، برای جلوگیری از سوگیری مطلوبیت اجتماعی یا جامعه‌پسندی^۱ در بین پاسخ‌دهندگان، به آن‌ها اطلاع داده شد که نتایج پژوهش تأثیری در گزینش و انتخاب آن‌ها در رشته‌های ورزشی مربوطه نداشته، و هیچ پاسخ درست یا غلطی برای سؤالات پرسش‌نامه وجود ندارد (تری و لین ۲۰۰۳؛ و هاشیم زولکیفلی و یوسف، ۲۰۱۰). پرسش‌نامه‌ها پس از تکمیل، توسط متخصص آمار دسته‌بندی شد و با استفاده از روش‌های مناسب آماری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش‌های تحلیل داده‌ها

از آمار توصیفی برای محاسبه شاخص‌های مرکزی و

جدول ۱. فراوانی شرکت‌کنندگان بر حسب جنسیت، سطح مهارت، و رشته ورزشی

| شرکت‌کنندگان | شاخص | سطح مهارت | | | رشته | | کل |
|--------------|-------|-----------|-------|-----------|-------|---------|-------|
| | | نخبه | ماهر | نیمه‌ماهر | تیمی | انفرادی | |
| مرد | تعداد | ۳۵ | ۵۳ | ۲۰ | ۵۷ | ۵۱ | ۱۰۸ |
| | درصد | ۳۲/۴ | ۴۹/۱ | ۱۸/۵ | ۵۲/۸ | ۴۷/۲ | ۴۱/۸۰ |
| زن | تعداد | ۶۳ | ۶۷ | ۲۰ | ۶۰ | ۹۰ | ۱۵۰ |
| | درصد | ۴۲/۰۰ | ۴۴/۷۰ | ۱۳/۳ | ۴۰/۰۰ | ۶۰/۰۰ | ۵۸/۲ |
| کل | تعداد | ۹۸ | ۱۲۰ | ۴۰ | ۱۱۷ | ۱۴۱ | ۲۵۸ |
| | درصد | ۳۸/۰۰ | ۴۶/۵۰ | ۱۵/۵۰ | ۴۵/۳۴ | ۵۴/۶۶ | ۱۰۰ |

1. Social desirability
2. Hashim, Zulkifli, & Yusof
3. Schutz & Gessaroli

باتوجه به جدول ۱ مشاهده می‌شود که در مجموع ۲۵۸ شرکت‌کننده پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی را به‌طور صحیح تکمیل کردند و مشاهده می‌شود که ورزشکاران ماهر در هر دو جنس،

ورزشکاران رشته‌های انفرادی در زنان، و ورزشکاران رشته‌های تیمی در مردان، تعداد و درصد بیشتری را به خود اختصاص داده بودند.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی عامل‌های پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی

| میانگین | | | عامل‌ها |
|-----------|------|------|---|
| نیمه‌ماهر | ماهر | نخبه | |
| ۲/۸۸ | ۳/۵۷ | ۳/۷۵ | کنترل افکار |
| ۳/۰۸ | ۳/۹۱ | ۴/۰۲ | تصویرسازی ذهنی |
| ۳/۳۱ | ۳/۵۱ | ۳/۵۶ | آرام‌سازی |
| ۳/۶۴ | ۳/۸۲ | ۳/۸۸ | میزان تلاش |
| ۲/۹۱ | ۳/۸۶ | ۳/۹۸ | تحلیل منطقی |
| ۳/۳۵ | ۳/۶۲ | ۳/۵۵ | حمایت اجتماعی |
| ۲/۶۸ | ۲/۳۷ | ۲/۲۲ | تخلیه هیجانات ناخوشایند |
| ۲/۲۸ | ۲/۶۰ | ۲/۵۵ | منحرف کردن افکار |
| ۲/۶۱ | ۲/۱۴ | ۲/۰۳ | تسلیم‌شدن/ عقب‌نشینی |
| ۲/۴۴ | ۲/۴۳ | ۲/۳۰ | کناره‌گیری (عقب‌نشینی) اجتماعی (فاصله‌گیری) |

بوده و منجر به زیربرآورد شاخص‌های برزاش تطبیقی، و بیش‌برآورد شاخص‌های دو می‌شود، در نتیجه، جهت اجرای تحلیل عاملی تأییدی، از روش برآورد مقاوم بیشینه احتمال ساتورا بنتلر (آر. ام. ال) استفاده شد (ساتورا و بنتلر^۳ ۱۹۸۸، و ملز^۴ ۲۰۰۶). نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول^۵ با استفاده از روش برآورد مقاوم بیشینه احتمال یا درست‌نمایی (آر. ام. ال)، بیانگر آن است که در مدل اندازه‌گیری راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران، برخی اعداد و پارامترهای مدل معنادار نمی‌باشند. در مدل‌یابی معادلات ساختاری برای آزمون معناداری ضریب مسیر (بار عاملی) بین متغیرهای مشاهده‌شده (سوالات) و متغیرهای مکنون (عامل‌ها) مربوطه در مدل، از

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ورزشکاران نخبه نسبت به سایر سطوح مهارتی، در راهبردهای تکلیف‌مدار نمرات بالاتر، و در راهبردهای هیجان‌مدار نمرات پایین‌تری دارند که نشان‌دهنده میزان استفاده آن‌ها از این دو گروه راهبرد است.

بررسی روایی سازه

قبل از اجرای تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی، نرمال بودن تک‌متغیره و چندمتغیره داده‌ها به‌وسیله نرم افزار لیزرل و از طریق ضریب ماردیا^۱، مورد-بررسی قرار گرفت. نتایج نشان‌دهنده عدم توزیع طبیعی داده‌ها در پژوهش حاضر بود ($P < 0.05$). از-آنجا که روش برآورد بیشینه احتمال^۲ یا درست‌نمایی (ام. ال) نسبت به عدم توزیع نرمال داده‌ها حساس

3. Robust Maximum Likelihood (RML)

4. Satorra & Bentler,

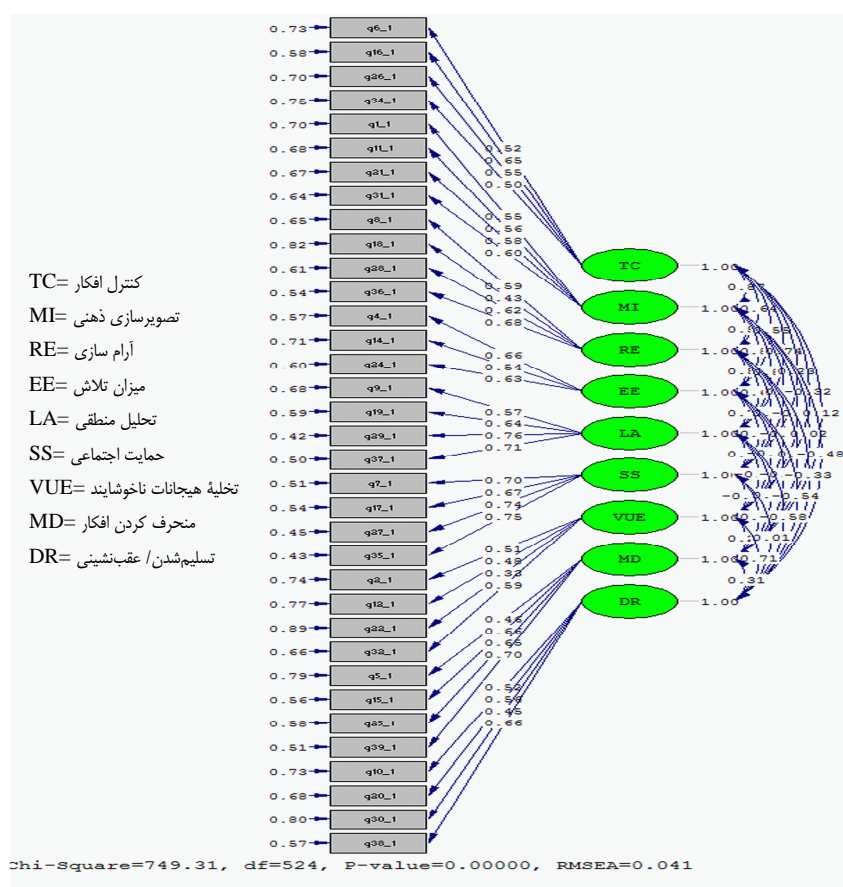
5. Mels

6. first order

1. Mardia's coefficient

2. Maximum likelihood estimation

بدین ترتیب نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی نشان داد این پرسشنامه پس از حذف چهار سؤال ۳، ۱۳، ۲۳ و ۳۳، و به عبارت بهتر، عامل کناره‌گیری اجتماعی، از روایی عاملی قابل قبول و مناسبی برخوردار است.



شکل ۱. مدل دوم مرتبه اول تخمین استاندارد پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی

تحلیل عاملی مرتبه دوم

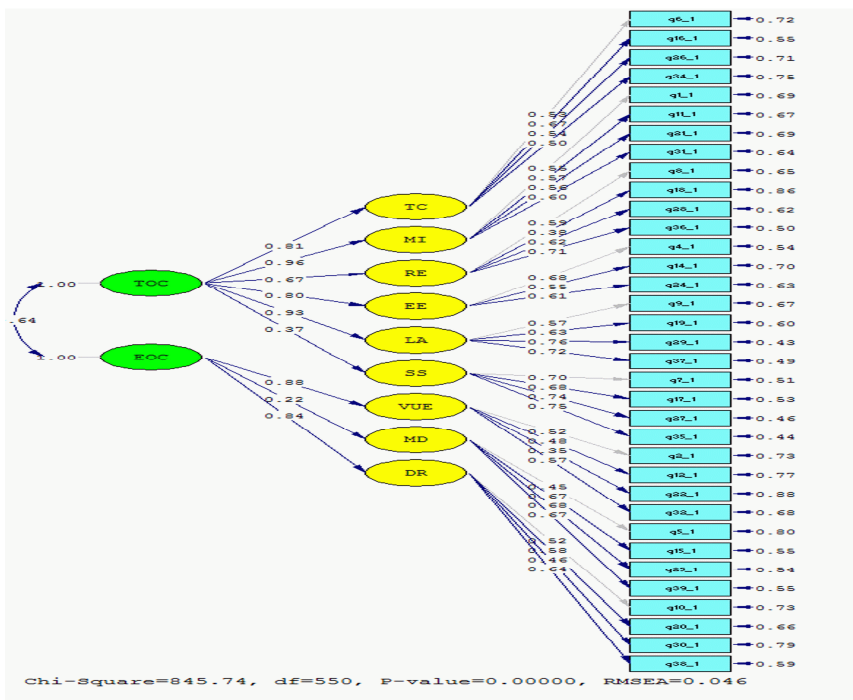
در ادامه و به منظور دستیابی به ساختار عاملی دقیق‌تر، از روش تحلیل عاملی مرتبه دوم استفاده شد. هدف این شیوه، رسیدن به یک روش معنادارتر از داده‌هاست. در این گونه مدل‌ها، فرض بر آن است که خود متغیرهای مکنون در واریانس مشترک، ناشی از یک یا چند عامل مرتبه بالاتر است. به عبارت دیگر، عامل‌های مرتبه دوم، عامل عامل‌های مرتبه اول به شمار می‌روند. این روش

در ادامه و به منظور دستیابی به ساختار عاملی دقیق‌تر، از روش تحلیل عاملی مرتبه دوم استفاده شد. هدف این شیوه، رسیدن به یک روش معنادارتر

1. Second order

ادامه تأیید روایی سازه پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی، و به‌منظور بررسی ارتباط نه خرده‌مقیاس تأییدشده مرتبه اول با دو عامل مرتبه بالاتر (بعد) راهبردهای تکلیف‌مدار و هیجان‌مدار، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم مورد-اجرا قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان داد که مدل اندازه‌گیری پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی مناسب است و کلیه اعداد و پارامترهای مدل معنادار می‌باشد (شکل ۲ و جدول ۴). شاخص‌های برازش (تناسب) مدل اندازه‌گیری مرتبه دوم نیز در جدول ۵ نمایش داده شده است.

برای مطالعه مناسب بودن ساختار عاملی پرسش‌نامه، و تأیید وجود مؤلفه‌های ادعایی سازنده یا پژوهش‌های مربوطه استفاده می‌شود (هومن، ۱۳۸۸). همان‌طور که قبلاً ذکر شد، خرده‌مقیاس پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی، دو دسته از راهبردهای مقابله‌ای شامل راهبردهای تکلیف‌مدار و هیجان‌مدار را تشکیل می‌دهند؛ به-طوری که خرده‌مقیاس‌های کنترل افکار، تصویرسازی ذهنی، آرام‌سازی، میزان تلاش، تحلیل منطقی و جستجوی حمایت بعد تکلیف‌مدار، و راهبرد تخلیه هیجانات ناخوشایند، منحرف کردن افکار (حواس پرتی)، و تسلیم‌شدن/عقب‌نشینی بعد هیجان‌مدار را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، و در



شکل ۲. مدل مرتبه دوم تخمین استاندارد پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی

جدول ۴. شاخص تی و معناداری رابطه بین بار عاملی خرده‌مقیاس‌ها و عوامل راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی

| عامل‌ها | خرده‌مقیاس | تخمین پارامتر | t | P |
|----------------------|-------------------------|---------------|------|-------|
| راهبردهای تکلیف‌مدار | کنترل افکار | ۰/۸۱ | ۶/۸۳ | ۰/۰۰۱ |
| | تصویرسازی ذهنی | ۰/۹۶ | ۸/۱۶ | ۰/۰۰۱ |
| | آرام‌سازی | ۰/۶۷ | ۷/۱۸ | ۰/۰۰۱ |
| | میزان تلاش | ۰/۸۰ | ۷/۹۵ | ۰/۰۰۱ |
| | تحلیل منطقی | ۰/۹۳ | ۸/۰۶ | ۰/۰۰۱ |
| راهبردهای هیجان‌مدار | حمایت اجتماعی | ۰/۳۷ | ۴/۱۰ | ۰/۰۰۱ |
| | تخلیه هیجانات ناخوشایند | ۰/۸۸ | ۶/۵۴ | ۰/۰۰۱ |
| | منحرف کردن افکار | ۰/۲۲ | ۲/۱۳ | ۰/۰۵ |
| | تسلیم‌شدن / عقب‌نشینی | ۰/۸۴ | ۵/۹۳ | ۰/۰۰۱ |

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقادیر شاخص تی در مورد رابطه بین خرده‌مقیاس‌ها با عوامل بالاتر خود نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمام مقادیر بالاتر از ۱/۹۶ بوده که حاکی از وجود رابطه معنادار بین آن‌ها می‌باشد. به-

طوری که خرده‌مقیاس تصویرسازی ذهنی در پیش‌بینی راهبردهای تکلیف‌مدار، و خرده‌مقیاس تخلیه هیجانات ناخوشایند در پیش‌بینی راهبردهای هیجان‌مدار مهمترین متغیرهای پیشگو در عامل‌های مربوط به خود می‌باشند.

جدول ۵. شاخص‌های برازش الگوی تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی

| شاخص‌های برازش | χ^2/DF | CFI | TLI | PGFI | PNFI | RMSEA |
|------------------|-------------|----------------|----------------|---------------|---------------|--------------|
| مقدار مشاهده شده | ۱/۷۰ | ۰/۹۴ | ۰/۹۳ | ۰/۷۰ | ۰/۷۸ | ۰/۰۷ |
| مقادیر قابل قبول | کوچکتر از ۳ | بزرگتر از ۰/۹۰ | بزرگتر از ۰/۹۰ | بزرگتر از ۰/۶ | بزرگتر از ۰/۶ | کمتر از ۰/۰۸ |

مقیاس‌ها و پرسش‌نامه‌های روان‌شناختی، استفاده از روایی افتراقی است. در این روش فرض بر این است که بر اساس پیشینه پژوهش‌های در سازه مذکور، بین برخی از گروه‌ها تفاوت وجود دارد. در نتیجه، ابزار طراحی شده باید بتواند این تفاوت‌ها را نشان دهد (سرمد، بازرگان، و حجازی، ۱۳۷۶).

بنابراین هدف از این تحلیل، بررسی تأثیر سطح مهارت ورزشکاران و نیز تأثیر جنسیت آن‌ها بر استفاده از راهبردهای مقابله‌ای در پرسش‌نامه سی. آی. سی. اس بود. برای رسیدن به این هدف، از تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) استفاده شد؛ نه خرده‌مقیاس راهبردهای مقابله به‌عنوان متغیرهای وابسته، جنسیت و میزان تبحر به‌عنوان متغیرهای

مطابق نتایج جدول ۵، مقادیر شاخص‌های برازندگی مرتبه دوم مدل اندازه‌گیری پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابت نیز همانند مدل دوم مرتبه اول، نشانگر قابل قبول و مناسب بودن شاخص‌های برازندگی (تناسب) و در نتیجه، برازش و مطلوب بودن مدل مرتبه دوم اندازه‌گیری می‌باشد.

در مجموع نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول، و دوم پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی نشان داد، این پرسش‌نامه از روایی سازه قابل قبول و بسیار خوبی در جامعه ورزشکاران ایرانی برخوردار است.

بررسی روایی افتراقی یا تشخیصی

یکی دیگر از انواع روش‌های بررسی روایی سازه

مستقل، در نظر گرفته شد.

قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا)، پیش‌فرض‌های این آزمون یعنی بررسی طبیعی بودن توزیع نمرات متغیرهای وابسته بوسیله آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، بررسی همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته از طریق آزمون کرویت بارتلت، تجانس یا همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس متغیرهای وابسته بوسیله آزمون ام‌باکس^۱، و درنهایت تجانس واریانس نمرات نه متغیر وابسته بوسیله آزمون لوین مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج آزمون کرویت بارتلت از لحاظ آماری معنادار بود (مجذور خی تقریبی = $597/25$ ، $P < 0/001$) که نشان‌دهنده همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته برای ادامه تحلیل بود. نتایج آزمون ام‌باکس (Box M = $346/21$ ، $P < 0/001$) و همچنین نتایج آزمون لوین در سه متغیر وابسته تصویب‌سازی، آرام‌سازی، و میزان تلاش ($P < 0/05$)، نشان داد که دو پیش‌فرض یکسانی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس، و همسانی (یکسانی) پراکندگی واریانس-های متغیرهای وابسته در سطوح متغیر مستقل، مورد تأیید نمی‌باشند. تاباچنیک و فیدل^۲ (۲۰۰۷) برای اصلاح نقض مفروضه آزمون ام‌باکس استفاده از اثر پیلا^۱، و برای نقض همگنی واریانس‌ها کاربرد آزمون گیمز هاول^۲ را پیشنهاد می‌کنند که در ادامه مورد استفاده قرار گرفت.

با توجه به نتایج جدول ۶ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در عامل اصلی سطح مهارت معنادار بود و همچنین اندازه اثر به‌دست‌آمده متوسط و نزدیک بزرگ می‌باشد (میرز و همکاران، ۲۰۰۶). درعین‌حال اثر تعاملی جنسیت و سطوح مهارتی، معنادار نمی‌باشد. باتوجه‌به اینکه نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در عامل اصلی سطح مهارت معنادار بود، درنتیجه تحلیل واریانس ساده

بر روی هر کدام از متغیرهای وابسته به‌عنوان آزمون تعقیبی مانوا در عامل سطح مهارت اجرا شد که نتایج آن در جدول ۷ نمایش داده شده است.

همچنین از آنجاکه ما در اینجا نه بار آزمون تحلیل واریانس اجرا کردیم، بنابراین نیاز خواهیم داشت با استفاده از روش تعدیل بونفرونی جهت کاهش خطای نوع اول، میزان آلفا را بر تعداد آزمایش‌ها یا همان متغیرهای وابسته، تقسیم کنیم ($0/05$ تقسیم بر ۹) تا سطح اطمینان قابل‌قبول‌تری دست یابیم (میرزو همکاران، ۲۰۰۶)؛ درنتیجه، سطح آلفای قابل‌قبول جدید $P < 0/0055$ خواهد بود.

نتایج آزمون تعقیبی تحلیل واریانس ساده (آنوا) نشان داد که نمرات عوامل کنترل افکار، تصویب‌سازی، تحلیل منطقی، تخلیه هیجانات ناخوشایند و تسلیم‌شدن/ عقب‌نشینی معنادار است؛ بنابراین، بین سطوح مهارت در این عوامل تفاوت وجود دارد.

3. M box
4. Tabachnick & Fidell

1. Pillai's Trace
2. Games-Howell

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) جهت مقایسه ورزشکاران مرد و زن در سطوح مختلف مهارتی

| متغیر | اثر | اثر پیلای | df | Error df | F | Sig. | η_p^2 |
|-------------------------|-----|-----------|----|----------|------|-------|------------|
| سطح مهارت | | ۰/۳۸۰ | ۱۸ | ۴۹۰ | ۶/۳۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۹۲ |
| جنسیت | | ۰/۰۴ | ۹ | ۲۴۴ | ۱/۱۳ | ۰/۳۴۱ | ۰/۰۴ |
| تعامل جنسیت و سطح مهارت | | ۰/۰۵ | ۱۸ | ۴۹۰ | ۰/۷۷ | ۰/۷۳ | ۰/۰۲ |

جدول ۷. نتایج آزمون تعقیبی تحلیل واریانس روی متغیرهای وابسته

| نتیجه | Sig | F | مجذورات میانگین | Df | متغیر وابسته |
|--------------|-------|-------|-----------------|----|-------------------------|
| معنادار است | ۰/۰۰۰ | ۲۳/۹۹ | ۱۱/۰۶ | ۲ | کنترل افکار |
| معنادار است | ۰/۰۰۰ | ۳۱/۷۶ | ۱۳/۳۲ | ۲ | تصویرسازی |
| معنادار نیست | ۰/۱۳۱ | ۲/۰۵ | ۱/۰۲ | ۲ | آرام‌سازی |
| معنادار نیست | ۰/۱۷۰ | ۱/۷۸ | ۰/۹۹ | ۲ | میزان تلاش |
| معنادار است | ۰/۰۰۰ | ۳۱/۸۶ | ۱۷/۱۱ | ۲ | تحلیل منطقی |
| معنادار نیست | ۰/۱۹۰ | ۱/۶۶ | ۱/۳۲ | ۲ | جستجوی حمایت |
| معنادار است | ۰/۰۰۰ | ۸/۲۵ | ۲/۹۲ | ۲ | تخلیه هیجانات ناخوشایند |
| معنادار نیست | ۰/۰۷۵ | ۲/۶۸ | ۱/۷۶ | ۲ | منحرف کردن افکار |
| معنادار است | ۰/۰۰۰ | ۱۲/۲۰ | ۵/۲۱ | ۲ | تسلیم‌شدن/ عقب‌نشینی |

در ادامه، جهت بررسی تفاوت‌ها در دو عامل تصویرسازی، و تحلیل منطقی نمرات بالاتر و در عوامل تخلیه هیجانات ناخوشایند و تسلیم‌شدن/عقب‌نشینی نمرات پایین‌تری داشته‌اند. این نتایج تا حدودی تأییدکننده مفروضه تفاوت در راهبردهای مقابله‌ای در سطوح مهارتی مختلف است و در نتیجه، تأییدکننده روایی افتراقی پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی می‌باشد.

ثبات (همسانی) درونی

به منظور تعیین همسانی درونی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین همسانی درونی خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی ارائه شده است. همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) کل پرسش‌نامه با ۳۵ سؤال (پس از حذف عامل عقب‌نشینی اجتماعی با چهار سؤال) برابر با ۰/۷۷ و

در ادامه، جهت بررسی تفاوت‌ها در دو عامل تصویرسازی، و آرام‌سازی، به دلیل عدم برقراری پیش‌شرط همگنی واریانس‌ها (در آزمون لوین) از آزمون تعقیبی گیمز هاول، و برای مقایسه سایر عامل‌ها از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. نتایج نشان داد که در خرده‌مقیاس‌های کنترل افکار، تصویرسازی، تحلیل منطقی، و تسلیم‌شدن/عقب‌نشینی بین گروه نخبه و نیمه‌ماهر ($P < ۰/۰۰۱$) و گروه ماهر و نیمه‌ماهر ($P < ۰/۰۰۱$) تفاوت معنادار وجود داشت اما تفاوت بین گروه‌های نخبه و ماهر معنادار نبود ($P < ۰/۰۰۵$)؛ در حالی که در خرده‌مقیاس تخلیه هیجانات ناخوشایند تنها بین گروه‌های نخبه و نیمه‌ماهر تفاوت معناداری دیده شد ($P < ۰/۰۰۱$). به عبارت دیگر و با رجوع به جدول ۲، مشخص می‌شود که ورزشکاران نخبه نسبت به ماهر و نیمه‌ماهر، و ورزشکاران ماهر نسبت به نیمه‌ماهر، در خرده‌مقیاس‌های کنترل افکار،

همسانی درونی هر یک از نه خرده‌مقیاس پرسش‌نامه در حد مطلوب و قابل قبول قرار دارند ($\alpha > 0/60$). شایان ذکر است که علی‌رغم اینکه ملاک رایج در بررسی قابل قبول بودن همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ مقدار ۰/۷۰ است، اما متخصصان روان‌سنجی برای عامل‌هایی که از چهار گویه و کمتر

تشکیل شده‌اند، ملاک برش ۰/۶۰ را قابل قبول می‌دانند (لاوتال، ۲۰۰۱). بنابراین پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی و خرده‌مقیاس‌های آن از همسانی (ثبات) درونی مطلوب و در نتیجه، پایایی قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۸. نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین ثبات درونی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی

| خرده‌مقیاس‌ها | تعداد سوالات | ضریب آلفا | دامنه همبستگی گویه‌ها با خرده‌مقیاس |
|-------------------------|--------------|-----------|-------------------------------------|
| کنترل افکار | ۴ | ۰/۶۴ | ۰/۵۹ تا ۰/۶۸ |
| تصویرسازی ذهنی | ۴ | ۰/۶۶ | ۰/۶۴ تا ۰/۶۹ |
| آرام‌سازی | ۴ | ۰/۶۷ | ۰/۶۳ تا ۰/۷۰ |
| میزان تلاش | ۳ | ۰/۶۴ | ۰/۶۳ تا ۰/۵۹ |
| تحلیل منطقی | ۴ | ۰/۷۶ | ۰/۶۵ تا ۰/۷۳ |
| حمایت اجتماعی | ۴ | ۰/۸۰ | ۰/۶۶ تا ۰/۷۱ |
| تخلیه هیجانات ناخوشایند | ۴ | ۰/۶۱ | ۰/۶۲ تا ۰/۶۷ |
| منحرف کردن افکار | ۴ | ۰/۷۰ | ۰/۶۴ تا ۰/۶۹ |
| تسلیم‌شدن / عقب‌نشینی | ۴ | ۰/۶۲ | ۰/۶۷ تا ۰/۷۳ |
| کل پرسش‌نامه | ۳۵ | ۰/۷۷ | - |

دهنده هم‌راستایی برازندگی کلی هر دو مدل در جامعه ورزشکاران کانادایی-فرانسوی، و جامعه ورزشکاران ایرانی می‌باشد. این ناهماهنگی و عدم هم‌راستایی در تأیید تعداد سوالات نسخه فارسی (پژوهش حاضر) با نسخه اصلی (گادریو و بلوندین ۲۰۰۲) را می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی و درک متفاوت پاسخ‌دهندگان، نسبت داد (شینک و هنراهان^۱، ۲۰۰۸). بدین معنا که عبارات مورداستفاده در سوالات ۱۳ و ۳۳، از عامل کناره‌گیری (عقب‌نشینی) اجتماعی، به دلیل تفاوت‌های فرهنگی به‌درستی توسط ورزشکاران ایرانی درک و تفسیر نشده و یا نادیده گرفته شده‌اند؛ به عبارت بهتر ورزشکاران ایرانی و فارسی‌زبان، درک صحیحی از سوالات این عامل به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای از نوع هیجان‌مدار نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تعیین روایی سازه، و همسانی درونی نسخه فارسی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش رقابتی (۲۰۰۲) بود. بخشی از نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعه گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) که به طراحی و روان‌سنجی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی پرداختند، هم‌راستا نمی‌باشد. چرا که در مطالعه این پژوهشگران، تمامی بارهای عاملی (ضرایب مسیر) به‌طور معناداری قابلیت پیش‌بینی عامل‌ها یا همان متغیرهای مکنون خود را داشتند ($P < 0/05$). البته مقادیر سی. اف. آی، تی. ال. آی، و رمزی مدل ۱۰ عاملی در پژوهش آن‌ها، بسیار مشابه با نتایج مدل نه عاملی نسخه فارسی در پژوهش حاضر، و برابر با ۰/۹۳ (پژوهش حاضر ۰/۹۶ و ۰/۹۵) و ۰/۰۳ (پژوهش حاضر ۰/۰۴) بود که نشان-

(خرده‌مقیاس) بوسیله سؤالات مربوطه می‌باشد. همچنین، مقادیر استاندارد شده بار عاملی (شکل ۲) و نتایج آزمون تی تحلیل عاملی مرتبه دوم (جدول ۲) نیز، بیانگر پیشگویی معنادار عامل‌های (خرده‌مقیاس) مرتبه اول در ارتباط با دو عامل یا بعد بالاتر مرتبه دوم یعنی عامل راهبردهای تکلیف‌مدار و عامل راهبردهای هیجان‌مدار بود، به طوری که خرده‌مقیاس تصویرسازی ذهنی در پیش‌بینی راهبردهای تکلیف‌مدار، و خرده‌مقیاس تخلیه هیجان‌ناخوشایند در پیش‌بینی راهبردهای هیجان‌مدار مهم‌ترین متغیرهای پیشگو-کننده در عامل‌های مربوط به خود بودند. مقادیر استاندارد شده بار عاملی گویه‌ها در پژوهش گادریو و بلوندین (۲۰۰۲)، در دامنه‌ای از ۰/۴۳ تا ۰/۸۵ متغیر بود که در مقایسه با دامنه مقادیر استاندارد شده بار عاملی گویه‌های مدل دوم مرتبه اول پژوهش حاضر که در دامنه‌ای از ۰/۳۳ تا ۰/۷۶ قرار داشتند، مقادیر نسبتاً مشابه و نزدیکی هستند که بیانگر آن است که ورزشکاران ایرانی همچون ورزشکاران کانادایی-فرانسوی پژوهش گادریو و بلوندین (۲۰۰۲)، ادراک مناسب و خوبی از سؤالات داشته‌اند (البته به غیر از عامل کناره‌گیری اجتماعی) که منجر به ارتباط و پیشگویی معنادار سؤالات با عامل‌های مربوطه و همچنین تأیید ساختار عاملی نظری مدل مرتبه اول پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی در هر دو مطالعه شدند. شینک و هنراهان (۲۰۰۸) بر تفاوت‌های فرهنگی افراد از جوامع و زبان‌های مادری مختلف در درک و تفسیر متفاوت سازه‌های روان‌شناختی تأکید کرده‌اند. در نتیجه، اختلافات اندک مشاهده شده در شاخص‌های برازندگی مدل‌ها و به-عبارت بهتر روایی سازه نسخه فارسی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی با نسخه‌های اصلی انگلیسی، و کانادایی (گادریو و بلوندین، ۲۰۰۲) را می‌توان به تفاسیر و ادراکات متفاوت پاسخ‌دهندگان فارسی‌زبان و دیگر زبان‌ها از عبارات (گویه‌ها)

بخش دیگری از نتایج پژوهش حاضر که در آن مدل نه‌عاملی (پس از حذف عامل کناره‌گیری اجتماعی) از برآزش بسیار عالی و مناسبی برخوردار بود، با نتایج تحلیل عاملی مدل ۱۰ عاملی پژوهش گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) هم‌راستا می‌باشد. در مطالعه گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) مطابق فرضیه‌ها، برآزش مدل ۱۰ عاملی برای داده‌ها از هر دو مدل رقیب دو و سه عاملی دیگر، به-شکل معناداری بهتر بوده است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات کیفی که مبنای تدوین پرسش‌نامه سی. آی. سی. اس هستند مطابقت دارند (اکلاند، ۱۹۹۶؛ گولد و همکاران، ۱۹۹۳؛ و پراپاویسیس و گروو، ۱۹۹۵). این مطالعات نشان می‌دهند که افراد برای مقابله با نیازها و شرایط ناشی از فشار روانی می‌توانند از انواع و اقسام راهبردهای مقابله‌ای استفاده کنند. گولد و همکارانش (۱۹۹۳) به ۱۵۸ رویکرد مرتبه اول اشاره داشته‌اند که به راهبردهای خاص مقابله‌ای بین افراد شرکت‌کننده در رقابت‌های ملی اسکیت نمایشی در ایالات متحده مربوط می‌شوند.

مسئله مهم دیگر در مورد روایی سازه پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی، قدرت پیشگویی و معناداری سؤالات (گویه‌ها) در ارتباط با عامل‌های مربوطه به خود است. مقادیر تخمین پارامتر گویه‌ها (بار عاملی استاندارد نشده) و نتایج آزمون تی تحلیل عاملی مدل دوم مرتبه اول اندازه‌گیری، نشان‌دهنده ارتباط معنادار سؤالات و عامل‌های مربوطه و در نتیجه، تأییدکننده روایی همگرایی پرسش‌نامه بود ($p < 0.001$). نتایج حاصله موجب تأیید سؤالات (گویه‌ها) در ساختار نظری مدل دوم مرتبه اول نسخه فارسی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی گردید. همچنین تمامی مقادیر استاندارد شده بار عاملی این مدل (شکل ۱) از معناداری آماری و عملی (بالاتر از ۰/۳) برخوردار بودند که بیانگر پیشگویی معنادار عامل‌ها

راهبردهای مقابله‌ای نسبت داد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم به بررسی ارتباط نه خرده‌مقیاس مرتبه اول با دو عامل بالاتر راهبردهای تکلیف‌مدار و هیجان‌مدار می‌پردازد. مجموعه‌ای از روابط بین خرده‌مقیاس‌ها، وجود دسته‌ای از راهبردهای مقابله تکلیف‌مدار را نشان می‌دهد (یعنی، کنترل افکار، تصویرسازی ذهنی، آرام‌سازی، میزان تلاش، تحلیل منطقی، و جستجوی حمایت)؛ درحالی‌که مجموعه دیگر ترکیبی از راهبردهای هیجان‌مدار (یعنی، کناره‌گیری و تخلیه هیجانات)، و راهبردهای اجتنابی (یعنی منحرف کردن افکار و تسلیم‌شدن/عقب‌نشینی) را نشان می‌دهد. دسته اول، سازه‌ای (متغیرهایی) را دربرمی‌گیرد که مشابه مهارت‌های پایه روان‌شناختی هستند (مورفی و تامن، ۱۹۹۸) چرا که کنش‌هایی را در میان ورزشکاران نشان می‌دهند که هدف آن‌ها تغییر یا تسلط فعال بر نیازها و شرایط درونی و بیرونی در رقابت ورزشی است. دسته دوم، احتمالاً به کنش‌های غیرمستقیم ورزشکاران مربوط می‌شود که هدف آن‌ها، کاهش نیازها و فشارها، و اجتناب از نیازهای بیرونی در رقابت ورزشی است (گادریو و بلوندین، ۲۰۰۲). به‌طور کلی، این یافته‌ها با نتایج مرور صورت گرفته بر روی مقالات قبلی همخوانی دارند، به بیان دقیق‌تر، این یافته‌ها نشان می‌دهند که پرسش‌نامه سی. آی. سی. اس، در واقع مهارت‌های پایه روان‌شناختی (مورفی و تامن، ۱۹۹۸) را با راهبردهای هیجان‌مدار مذکور در مطالعات کیفی اخیر در حوزه ورزش (اکلاند، ۱۹۹۶؛ گولد و همکاران، ۱۹۹۳ الف؛ و پراپاوسیس و گروو، ۱۹۹۵) ترکیب می‌کند.

بخش دوم بررسی روایی سازه نسخه فارسی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی شامل بررسی تفاوت استفاده از راهبردهای مختلف مقابله‌ای در سطوح متفاوت مهارتی بود. بر اساس نتایج مطالعات متعدد کیفی (اورلیک و پارتینگتون، ۱۹۸۸؛ و مک‌کافری و اورلیک، ۱۹۸۹) و بررسی‌های متعدد کمی

(مادن و همکاران، ۱۹۸۹؛ و توماس و همکاران، ۱۹۹۹)، انتظار می‌رفت ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران ماهر و نیمه‌ماهر بیشتر از راهبردهای تکلیف‌مدار و کمتر از راهبردهای هیجان‌مدار استفاده کنند (به نقل از گادریو و همکاران، ۲۰۰۲). نتایج تا حدی این فرض را تأیید کرد چرا که ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران سطوح پایین‌تر، بیشتر از کنترل افکار، تصویرسازی، و تحلیل منطقی استفاده کرده و کمتر از تخلیه هیجانات ناخوشایند، و تسلیم‌شدن/عقب‌نشینی بهره‌گیری کردند؛ اما در بین جنسیت تفاوتی در این زمینه مشاهده نشد. این نتایج با مطالعه گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) تا اندازه‌ای هم‌راستا می‌باشد چرا که در مطالعه این پژوهشگران نیز ورزشکاران نخبه در مقایسه با ورزشکاران سطوح پایین‌تر، بیشتر از تصویرسازی ذهنی، آرام‌سازی، و تلاش استفاده کردند و کمتر از تخلیه هیجانات ناخوشایند بهره گرفتند. به‌طور کلی نتایج بیشتر پژوهش‌ها، نشان داده‌اند که با افزایش سطح مهارت، فراوانی به‌کارگیری راهبردهای تکلیف‌مدار افزایش پیدا کرده و ورزشکارانی که به‌طور مؤثرتری با استرس کنار آمده و آن را مدیریت می‌کنند، از راهبردهای تکلیف‌محور به‌مراتب بیشتر از راهبردهای هیجان‌محور، و اجتنابی استفاده می‌کنند (گادریو و بلوندین، ۲۰۰۴).

در زمینه بهره‌گیری راهبردهای مقابله‌ای در دو جنس مرد و زن، نتایج پژوهش حاضر با مطالعه گادریو و همکاران هم‌راستا نمی‌باشد. در مطالعه گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) میزان استفاده از روش تخلیه هیجانات ناخوشایند در میان مردان بیشتر از زنان ($\eta^2 = 0/05$)، $F(1,399) = 16/80$ ، $P \leq 0/05$ ، و میزان تلاش در زنان بیشتر از مردان ($\eta^2 = 0/03$)، $F(1,399) = 11/57$ ، $P \leq 0/05$ ، بوده است. از دلایل احتمالی این عدم هم‌راستایی را می‌توان به عدم برابری حجم نمونه ورزشکاران زن (۱۵۸) و مرد (۱۰۸) پژوهش حاضر به‌ویژه در سطح مهارت نخبه (۶۳ زن در برابر ۳۵ مرد)، و

ملاک رایج در بررسی قابل قبول بودن همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ مقدار ۰/۷۰ است، اما متخصصان روان‌سنجی برای عامل‌هایی (خرده‌مقیاس‌ها) که از چهار سؤال و کمتر تشکیل شده‌اند، ملاک برش ۰/۶۰ را قابل قبول می‌دانند (لاونتال، ۲۰۰۱). نتایج این بخش از پژوهش حاضر با نتایج مطالعه گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) هم‌راستا می‌باشد. ضرایب آلفای کرونباخ نسخه انگلیسی-فرانسوی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش رقابتی، در دامنه‌ای از ۰/۶۷ در تحلیل منطقی تا ۰/۸۷، در عامل تخلیه هیجان‌ناخوشایند متغیر بود که تطابق بسیار نزدیکی با نتایج پژوهش حاضر دارند.

به‌طور کلی نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر نشان داد که نتایج تحلیل عاملی تأییدی مدل اول مرتبه اول پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی، فاقد برازش (تناسب) مطلوب، و در نتیجه فاقد روایی سازه مدل اولیه اندازه‌گیری (۳۹ سؤالی) بود. اما پس از حذف چهار سؤال (گویه) مشکل‌ساز (سؤالات ۳، ۱۳، ۲۳، و ۳۳) و به‌عبارت‌دیگر عامل کناره‌گیری اجتماعی، مدل دوم اندازه‌گیری مرتبه اول با ۳۵ سؤال، و مدل مرتبه دوم، از بارهای عاملی، شاخص‌های برازندگی، و ضرایب آلفای کرونباخ قابل قبولی برخوردار شد؛ همچنین وجود تفاوت معنادار برخی از خرده‌مقیاس‌ها در سطوح مختلف مهارتی، بیانگر روایی افتراقی مطلوب نسخه فارسی تعدیل‌شده (۳۵ سؤالی) پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش رقابتی می‌باشد. در نتیجه، از پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی (مدل تعدیل‌شده ۳۵ سؤالی)، می‌توان به‌عنوان ابزاری جهت مطالعه و ارزیابی راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده ورزشکاران ایرانی بهره‌گیری نمود. در پایان، با توجه به اینکه تحلیل عاملی و روایی افتراقی (تشخیصی) تنها دو روش از روش‌های بررسی روایی سازه است، پیشنهاد می‌شود روایی ملاک یا همگرایی این پرسش-

همچنین به تفاوت در سابقه ورزشی (سال‌های حضور در رقابت حرفه‌ای) بین دو جنس نسبت داد. نیکولاس و پولمن^۱ (۲۰۰۷) و گادریو و بلوندین (۲۰۰۲) این دو متغیر را به‌همراه متغیرهای دیگری از جمله سابقه مهارت، ادراک چالش رقابت با توجه به اهمیت و سطح آن برای ورزشکاران، و نوع رشته ورزشی، در وجود یا عدم وجود تفاوت در بهره‌گیری از راهبردهای مقابله‌ای در دو جنس، تأثیرگذار عنوان کردند. اگرچه نتایج برخی پژوهش‌ها نیز، از جمله کراکر و گراهام (۱۹۹۵)، گولد و همکاران (۱۹۹۵)، و بیتسوس و انتونیو^۲ (۲۰۰۳) هم‌راستا با پژوهش حاضر هیچ تفاوتی در به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای بین زنان و مردان مشاهده نکردند. در نتیجه، به نظر می‌رسد در این زمینه به مطالعات بیشتر با کنترل متغیرهایی از جمله حجم نمونه، سابقه مهارت، چالش رقابت با توجه به اهمیت و سطح آن برای ورزشکاران و نوع رشته ورزشی در دو جنس، نیاز باشد (نیکولاس و پولمن، ۲۰۰۷).

نتایج حاصل از بررسی همسانی درونی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای ورزشکاران در ورزش رقابتی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، نشان‌دهنده مطلوب بودن همسانی یا ثبات درونی مدل دوم (پس از حذف چهار سؤال ۳، ۱۳، ۲۳، و ۳۳ از عامل کناره‌گیری اجتماعی) بود. مطابق نتایج ضریب آلفای کرونباخ در عامل کنترل افکار ۰/۶۴، تصویرسازی ذهنی ۰/۶۶، آرام‌سازی ۰/۶۷، میزان تلاش ۰/۶۴، تحلیل منطقی ۰/۷۶، حمایت اجتماعی ۰/۸۰، تخلیه هیجان‌ناخوشایند ۰/۶۱، منحرف کردن افکار ۰/۷۰، تسلیم شدن/ عقب‌نشینی ۰/۶۲، و کل پرسش‌نامه با ۳۵ سؤال ۰/۷۵ (جدول ۸) بود که تمامی مقادیر از مقدار قابل قبول ($\alpha \geq 0/60$) بالاتر می‌باشند که نشان‌دهنده همسانی (ثبات) درونی عوامل پرسش‌نامه می‌باشد. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که علی‌رغم اینکه

1. Nicholls & Polman

2. Bebetos & Antoniou

7. Anshel, M. H., & Kaissidis, A. N. (1997). Coping style and situational appraisals as predictors of coping strategies following stressful events in sport as a function of gender and skill level. *British Journal of Psychology*, 88, Pp: 263-276.
8. Bebetos, E., & Antoniou, P. (2003). Psychological skills of Greek badminton athletes. *Perceptual and Motor Skills*, 97, Pp: 1289 - 1296.
9. Brown, T. A. (2006). *Confirmatory factor analysis for applied research*. Guilford Press.
10. Browne, M. W. & Cudeck, R. (1993) *Alternative ways of assessing model fit. In: Testing structural equation models*. Eds: Bollen, K. A., & Long, J. S. Newbury, CA: Sage. Pp: 132-162.
11. Carver, C. S., Scheier, M. F., & Weintraub, J. K. (1989). Assessing coping strategies: a theoretically based approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, Pp: 267-283.
12. Crocker, P. R. E. (1992). Managing stress by competitive athletes: ways of coping. *International Journal of Sport Psychology*, 23, Pp: 161-175.
13. Crocker, P. R. E., & Graham, T. R. (1995). Coping by competitive athletes with performance stress: gender differences and relationships with affect. *The Sport Psychologist*, 9, Pp: 325-338.
14. Eklund, R. C. (1996). Preparing to compete: A season-long investigation with collegiate wrestlers. *The Sport Psychologist*.
15. Finch, L. M. (1994). The relationships among coping strategies, trait anxiety, and performance in collegiate softball players. *Microfilm publication of the International Institute for Sport and Human Performance, University of Oregon*.
- نامه را از طریق بررسی همزمان با نسخه فارسی پرسش‌نامه MCOPE که شکل تغییر یافته پرسش‌نامه COPE می‌باشد، مورد بررسی قرار گیرد. شایان ذکر است که لازمه این کار این است که ابتدا پرسش‌نامه MCOPE در بین ورزشکاران ایرانی اعتباریابی شده و پس از تأیید ویژگی‌های روان‌سنجی آن، به‌عنوان ملاکی برای بررسی روایی همگرا با نسخه فارسی پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی پژوهش حاضر، مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. زیدآبادی، ر.، رضایی، ف.، و منشرعی، ا. (۱۳۹۳). ویژگی‌های روان‌سنجی و هنجاریابی نسخه فارسی پرسش‌نامه سنجش مهارت‌های ذهنی اوتاوا-اومست ۳. *مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۳ (۷): ۶۳-۸۲
۲. سرمد، ز.، بازرگان، ع.، و حجازی، ا. (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات آگاه.
۳. فرخی، ا.، منشرعی، ا.، و زیدآبادی، ر. (۱۳۹۲). تعیین روایی و پایایی نسخه فارسی پرسش‌نامه حالات خلقی برومز ۳۲ سوالی. *نشریه رفتار حرکتی*، ۵ (۱۳): ۱۵-۴۰.
۴. میرزا، ال. اس.، گامست، گ.، و گارینو، ا. جی. (۲۰۰۶). پژوهش چندمتغیری کاربردی. ترجمه پاشاشریفی، ح.، فرزاد، و.، رضاخانی، س.، حسن-آبادی، ح. ر.، ایزانلو، ب.، و حبیبی، م.، تهران، انتشارات رشد، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۵. واعظ‌موسوی، م. ک. (۱۳۷۹). تعیین روایی و پایایی سه پرسش‌نامه آمادگی روانی، طرح پژوهشی پژوهشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
۶. هومن، ح. ع. (۱۳۸۸). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*. انتشارات سمت، چاپ سوم.

16. Folkman, S., & Lazarus, R. S. (1985). If it changes it must be a process: Study of emotion and coping during three stages of a college examination. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48, Pp: 150-170.
17. Frydenberg, E., & Lewis, R. (1994). Coping with different concerns: consistency and variation in coping used by adolescents. *Australian Psychologist*, 29, Pp: 45-48.
18. Gaudreau, P., & Blondin, J. P. (2002). Development of a questionnaire for the assessment of coping strategies employed by athletes in competitive sport settings. *Psychology of Sport and Exercise*, 3 (1), Pp: 1-34.
19. Gaudreau, P., & Blondin, J. P. (2004). Different athletes cope differently during a sport competition: A cluster analysis of coping. *Personality and Individual Differences*, 36 (8), Pp: 1865-1877.
20. Gaudreau, P., Lapierre, A. M., & Blondin, J. P. (2001). Coping at three phases of a competition: comparison between pre-competitive, competitive, and post-competitive utilization of the same strategy. *International Journal of Sport Psychology*. 32 (4), Pp: 369-385
21. Giacobbi, P. R., & Weinberg, R. S. (2000). An examination of coping in sport: individual trait anxiety differences and situational consistency. *The Sport Psychologist*, 14, Pp: 42-62.
22. Gould, D., Eklund, R. C., & Jackson, S. A. (1993). Coping strategies used by US Olympic wrestlers. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 64, Pp: 83-93.
23. Gould, D., Finch, L. M., & Jackson, S. A. (1993b). Coping strategies used by national champion figure skaters. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 64, Pp: 453-468.
24. Grove, R. J., & Heard, P. N. (1997). Optimism and sport confidence as correlates of slump-related coping among athletes. *The Sport Psychologist*, 11, Pp: 400-410.
25. Haney, C. J., & Long, B. C. (1995). Coping effectiveness: a path analysis of self-efficacy, control, coping, and performance in sport competitions. *Journal of Applied Social Psychology*, 25, Pp: 1726-1746.
26. Hardy, L., Roberts, R., Thomas, P. R., Murphy, S. M. (2010). Test of Performance Strategies (TOPS): Instrument refinement using confirmatory factor analysis. *Psychology of Sport and Exercise*, 11, Pp: 27-35.
27. Hardy, L., Jones, G., & Gould, D. (1996). *Understanding psychological preparation for sport: theory and practice of elite performers*. Chichester, UK: Wiley.
28. Hashim, H., Zulkifli, E., & Yusof, H. (2010). Factorial validation of Malaysian adapted Brunel Mood Scale in an adolescent sample. *Asian journal of sports medicine*, 1 (4), Pp: 185-194.
29. Hu, L., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modelling*, 6, Pp: 1-55.
30. Kim, M. S., & Duda, J. L. (1999). Predicting coping responses: An integration of Lazarus' transactional theory of psychological stress and coping and goal perspective theory. *Proceedings of the annual meeting of the Association for the Advancement of Applied Sport Psychology*, Pp: 41.
31. Kline, P. (2005). *Principles and practice of structural equation modelling*, (2nd Ed). New York: The Guildford Press.
32. Loewenthal, K. M. (2001). *An introduction to psychological tests and scales*. (2nd Ed.). London: UCL Press, Pp: 51-9.

33. Mels, G. (2006). *LISREL for Windows: Getting started guide*. Lincolnwood, IL: Scientific Software International, Inc.
34. Nicholls, A. R., & Polman, R. C. (2007). Coping in sport: A systematic review. *Journal of sports sciences*, 25 (1), Pp: 11-31.
35. Ntoumanis, N., & Biddle, S. J. H. (2000). The relationship of intensity and direction of competitive anxiety with coping strategies. *The Sport Psychologist*, 14, Pp: 360-371.
36. Ntoumanis, N., Biddle, S. J. H., & Haddock, G. (1999). The mediating role of coping strategies on the relationship between achievement motivation and affect in sport. *Anxiety, Stress, and Coping*, 12, Pp: 299-327.
37. Prapavessis, H., & Grove, R. J. (1995). Ending batting slumps in baseball: a qualitative investigation. *The Australian Journal of Science and Medicine in Sport*, 27, Pp: 14-19.
38. Satorra, A., & Bentler, P. (1988). Scaling corrections for Chi-square statistics in covariance structure analysis. *Proceedings of the Business and Economic Statistics Section of the American Statistical Association*, Pp: 308-313.
39. Schinke, R. J., & Hanrahan, S. J. (Eds.) (2008). *Cultural sport psychology*. Champaign, IL: Human Kinetics.
40. Schutz, R. W., Gessaroli, M. E. (1993). *Use, misuse, and disuse of psychometrics in sport psychology research*. In R. N. Singer, M. Murphy, & L. K. Tennant (Eds.), *Handbook of research on sport psychology*, Pp. 901-917. New York: Macmillan.
41. Sellers, R. M. (1995). Situational differences in the coping processes of student-athletes. *Anxiety, Stress, and Coping*, 8, Pp: 325-336.
42. Stone, A. A., Kennedy-Moore, E., Newman, M. G., Greenberg, M., & Neale, J. M. (1992). Conceptual and methodological issues in current coping assessments. *Personal coping: Theory, research, and application*, Pp: 15-29.
43. Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S. (2007). *Using Multivariate statistics* (5thedn). Boston: Pearson Education.
44. Terry, P. C., Lane, A. M., Lane, H. J., & Keohane, L. (1999). Development and validation of a mood measure for adolescents. *Journal of sports sciences*, 17 (11), Pp: 861-87.

پیوست ۱. پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای در ورزش رقابتی

نام و نام خانوادگی: سن: جنسیت: رشته ورزشی:

ورزشکاران گرامی لطفاً مشخص کنید که هر پرسش تا چه میزان نشان‌دهنده افکار و کنش‌های شما در حین رقابت و مسابقه امروز است. هر یک از موارد زیر، موقعیت خاصی را توصیف می‌کند که ممکن است در طول شرایط پرفشار مسابقه امروز، از آن‌ها استفاده کرده باشید. لطفاً گزینه‌ای که میزان کاربرد این موقعیت‌ها را نشان می‌دهد، با علامت ضربدر مشخص کنید.

| ردیف | تجزیه و تحلیل | تجزیه و تحلیل | تجزیه و تحلیل | تجزیه و تحلیل | تجزیه و تحلیل |
|------|---------------|---------------|---------------|---------------|--|
| ۱ | | | | | خودم را در حالت تسلط کامل بر شرایط مسابقه تصور کردم. |
| ۲ | | | | | برای تخلیه خشم خود، در ذهن خود، یا با صدای بلند، فحش و ناسزا گفتم. |
| ۳ | | | | | با تلاش مداوم، از توانایی‌هایم استفاده کردم. |
| ۴ | | | | | برای اینکه به چیزی غیر از رقابت ورزشی فکر کنم، ذهن خودم را مشغول کردم. |
| ۵ | | | | | در طول مسابقه سعی کردم از ورزشکاران دیگر متنرمم. |
| ۶ | | | | | برای آمادگی ذهنی خود، با فرد دیگری مشورت کردم. |
| ۷ | | | | | سعی کردم بدنم را آرام (ریلکس) کنم. |
| ۸ | | | | | عملکردهای قبلی خودم را تجزیه و تحلیل کردم. |
| ۹ | | | | | تمام امید خود را برای دستیابی به هدفم، از دست دادم. |
| ۱۰ | | | | | قبل از انجام هر حرکت، آن حرکت را به صورت ذهنی تمرین کردم. |
| ۱۱ | | | | | عصبانی شدم. |
| ۱۲ | | | | | بی‌وقفه و شدید تلاش کردم. |
| ۱۳ | | | | | برای اینکه به رقابت ورزشی فکر نکنم، به تفریح موردعلاقه‌ام فکر کردم. |
| ۱۴ | | | | | سعی کردم با مثبت‌اندیشی بر شک و تردید خود غلبه کنم. |
| ۱۵ | | | | | از ورزشکاران دیگر مشورت خواستم. |
| ۱۶ | | | | | سعی کردم تنش را در ماهیچه‌ها و عضلات خود کم کنم. |
| ۱۷ | | | | | نقاط ضعف حریفانم را تجزیه و تحلیل کردم. |
| ۱۸ | | | | | با ناامیدی و دلسرد شدن کنار آمدم. |
| ۱۹ | | | | | در طول مسابقه، عملکرد خوبی برای خودم تصور کردم. |
| ۲۰ | | | | | نارضایتی خود را آشکارا بیان کردم (نشان دادم). |
| ۲۱ | | | | | هر کاری (تلاشی) که می‌توانستم کردم. |
| ۲۲ | | | | | برای اینکه به رقابت ورزشی فکر نکنم، خودم را سرگرم کردم. |
| ۲۳ | | | | | افکار منفی خود را با افکار مثبت جایگزین کردم. |
| ۲۴ | | | | | با فردی مورداعتماد صحبت کردم. |
| ۲۵ | | | | | تعدادی تمرین برای آرام‌سازی انجام دادم. |
| ۲۶ | | | | | سعی کردم راه‌حلی برای کنترل شرایط مسابقه پیدا کنم. |

| خیلی زیاد | اغلب | گاهی اوقات | بندرت | هرگز | |
|-----------|------|------------|-------|------|---|
| | | | | | ۲۷ آرزو می‌کردم مسابقه هر چه زودتر تمام شود. |
| | | | | | ۲۸ در تمام زمان بازی، بهترین عملکرد ممکن را برای خود تصویرسازی می‌کردم. |
| | | | | | ۲۹ ناامیدی خود را نشان دادم (ابراز کردم). |
| | | | | | ۳۰ سعی کردم به اشتباهات خودم فکر نکنم. |
| | | | | | ۳۱ با کسی صحبت کردم که بتواند به من انگیزه دهد. |
| | | | | | ۳۲ ماهیچه‌های خود را در حالت آزاد و بدون فشار قرار دادم. |
| | | | | | ۳۳ نیازها و شرایط مسابقه را تحلیل کردم. |
| | | | | | ۳۴ دیگر به توانایی خود برای رسیدن به هدف باور نداشتم. |
| | | | | | ۳۵ برای منحرف کردن افکار خود از شرایط پُرفشار مسابقه، به خانواده یا دوستان خود فکر می‌کردم. |

پیوست ۲. شیوه‌نامه نمره‌دهی

سؤالات مربوط به هر خرده‌مقیاس، در جدول زیر آمده است. برای نمره‌گذاری، نمره هر یک از سؤالات را بر اساس مقیاس یک تا پنج (هرگز = ۱، بندرت = ۲، گاهی اوقات = ۳، اغلب = ۴، خیلی زیاد = ۵) محاسبه کنید.

| روش‌های مقابله |
|--|
| کنترل افکار |
| ۵. در طول مسابقه سعی کردم از ورزشکاران دیگر نترسم. |
| ۱۴. سعی کردم با مثبت‌اندیشی بر شک و تردید خود غلبه کنم. |
| ۲۳. افکار منفی خود را با افکار مثبت جایگزین کردم. |
| ۳۰. سعی کردم به اشتباهات خودم فکر نکنم. |
| تصویرسازی ذهنی |
| ۱. خودم را در حالت تسلط کامل بر شرایط مسابقه تصویر کردم. |
| ۱۰. قبل از انجام هر حرکت، آن حرکت را به صورت ذهنی تمرین کردم. |
| ۱۹. عملکرد خوبی برای خودم تصور کردم. |
| ۲۸. در تمام زمان بازی، بهترین عملکرد ممکن را برای خود تصویرسازی می‌کردم. |
| آرام‌سازی |
| ۷. سعی کردم بدنم را آرام (ریلکس) کنم. |
| ۱۶. سعی کردم تنش را در ماهیچه‌ها و عضلات خود کم کنم. |
| ۲۵. تعدادی تمرین برای آرام‌سازی انجام دادم. |
| ۳۲. ماهیچه‌های خود را در حالت آزاد و بدون فشار قرار دادم. |
| میزان تلاش |
| ۳. با تلاش مداوم، از توانایی‌هایم استفاده کردم. |
| ۱۲. بی‌وقفه و شدید تلاش کردم. |
| ۲۱. هر کاری (تلاشی) که می‌توانستم کردم. |

| روش‌های مقابله |
|---|
| تحلیل منطقی |
| ۸. عملکردهای قبلی خودم را تجزیه و تحلیل کردم. |
| ۲۶. سعی کردم راه‌حلهایی برای کنترل شرایط مسابقه پیدا کنم. |
| ۱۷. نقاط ضعف حریف را تحلیل کردم. |
| ۳۳. نیازها و شرایط مسابقه (رقابت) را تحلیل کردم. |
| جستجوی حمایت |
| ۶. برای آمادگی ذهنی با فرد دیگری مشورت کردم. |
| ۱۵. از ورزشکاران دیگر مشورت خواستم. |
| ۲۴. با فردی مورداعتماد صحبت کردم. |
| ۳۱. با کسی صحبت کردم که بتواند به من انگیزه دهد. |
| تخلیه هیجانات ناخوشایند |
| ۲. برای تخلیه خشم خود، در ذهن خود یا با صدای بلند، فحش و ناسزا گفتم. |
| ۲۰. نارضایتی خود را آشکارا بیان کردم. |
| ۱۱. عصبانی شدم. |
| ۲۹. ناامیدی خود را نشان دادم. |
| منحرف کردن افکار |
| ۴. برای این که به چیزی غیر از رقابت ورزشی فکر کنم، ذهن خودم را مشغول کردم. |
| ۱۳. برای این که به رقابت ورزشی فکر نکنم، به تفریح موردعلاقه‌ام فکر کردم. |
| ۲۲. برای این که به رقابت ورزشی فکر نکنم، خودم را سرگرم کردم. |
| ۳۵. برای منحرف کردن افکار خود از شرایط پرفشار مسابقه، به خانواده یا دوستان خود فکر می‌کردم. |
| تسلیم شدن / عقب‌نشینی |
| ۱۸. با ناامیدی و دلسرد شدن کنار آمدم. |
| ۲۷. آرزو می‌کردم مسابقه هر چه زودتر تمام شود. |
| ۳۴. دیگر به توانایی خود برای رسیدن به هدف باور نداشتم. |
| ۹. تمام امید خود را برای دستیابی به هدفم، از دست دادم. |

